

چرا رؤیای ایرانی مهم است؟

رؤیای ایرانی



میترا فردوسی
پژوهشگر مطالعات فرهنگی

امید و رویه دیگر آن یعنی رؤیای اجتماعی اگر چه در سطح فردی به عنوان یک نوع احساس یا امر روان شناختی به نظر می رسد اما به اعتقاد من بیش و پیش از آنکه نوعی احساس یا درک عاطفی از وضع موجود باشد، نوعی شناخت و آگاهی و معرفت نسبت به جایگاه فرد در جامعه و تصویر از خود و تصویر از جامعه و تصویر از رابطه میان انسان یا کنشگر یا عامل با جامعه است. برای هر جامعه، امید برآمده از رؤیای اجتماعی، شکلی از دانش یا معرفت و آگاهی است که ما به کمک آن می توانیم برای مداخله در جامعه ایفاي نقش کنیم. این آگاهی امکان مداخله فرد در جامعه و امکان ابداع استراتژی ها برای تغییر یا بهبود وضع موجود را فراهم می کند. از این منظر آگاهی در اینجا صرفاً یک امر ذهنی نیست بلکه آگاهی نوعی قابلیت، عادت، مهارت و توانمندی است که فرد یا در حالت اجتماعی آن، جامعه، برای فرد ایجاد و آن آگاهی را به امری جمعی تبدیل می کند.

پرونده ای که پیش روی شماست محصول ایده ای بلندپروازانه برای ساخت رؤیای ایران است؛ برای غلغلک کردن پرنده ذهن که بر فراز تخیلی جمعی برای روزهای بهتر این سرزمین به پرواز درآید؛ برای ایرانی ها که از انزوای خود بیگانگی بیرون بیایند و دست رؤیایی جمعی را بگیرند و خوابی رنگی برای آینده خود و نسل های بعدی ایرانی ببینند. ما اکنون درون رؤیایی دست و پا می زنیم و این رویا آنقدر پیرنگ و پر قدرت است که این ضرورت را به من نشان داد تا این پرونده - که قرار است تا زمان انتشار این مجله در هر شماره صفحاتی را به خود اختصاص دهد - به مثابه نوعی فراخوان عمومی باشد برای اینکه یک بار بنشینیم و به مفهوم رؤیای ایرانی فکر کنیم و نقش خودمان را در ساختن آن تعریف کنیم. فراخوانی است برای اینکه از خودمان بپرسیم آیا مانند جامعه امریکایی که به یک رؤیای امریکایی (american dream) مؤمن است و آن را در فرد فردش نهادینه می کند ما هم می توانیم رؤیای ایرانی داشته باشیم؟ باور دارم که رؤیای ایرانی یک نقطه وصل بین الازد هانی است که می تواند دست ما را در بزنگاه های تاریخی - مثل امروز - بگیرد. جاهایی که طناب - که بین ما و هویت جمعی مان - آنقدر باریک شده که هر لحظه ممکن است پاره شود این رؤیایی جمعی است که طناب را محکم می کند. ما به هژمونی رؤیای ایرانی احتیاج داریم تا دریچه امیدی پیش روی جامعه شکننده امروز ایران ترسیم کنیم. این پرونده را در این شماره و در شماره های آینده مجله دنبال کنید تا با هم درباره این دریچه امیدبخش فکر کنیم. رؤیای ایرانی ادبیات نظری و بیشتوانه مفهومی ویژه ای ندارد و شاید می شود گفت ابداع خود من است. پس از همین ابتدا، به شنیدن نقد و نظراتی که شما می کنید که این پرونده را دنبال می کنید احتیاج داریم. لطفاً نظراتتان را به این ایمیل بفرستید:

mitraferdosi@gmail.com



طرح: اردشیر رستمی